



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین

دانشکده بهداشت

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته آموزش بهداشت

عنوان

اثر بخشی مداخله آموزشی از طریق داوطلبان سلامت بر عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زناشویی در زنان یائسه با کاربرد مدل فرانظری

استاد راهنما

دکتر هادی مرشدی

استاد مشاور

دکتر عیسی محمدی زیدی

نگارش

رفعت یاحقی

تابستان ۱۳۹۸

چکیده:

زمینه و هدف: اختلال در عملکرد جنسی زنان در دوران یائسگی، پدیده‌ای شایع است که تحت تأثیر عوامل متعددی همچون تغییرات فیزیولوژیک و روانشناختی قرار می‌گیرد و بر سلامت جسمانی - روانی و کیفیت زندگی زنان یائسه تأثیر منفی دارد. آموزش جنسی، از طریق داوطلبان سلامت به عنوان گروه همسان، باعث افزایش توانمندی جنسی زنان شده و با توانایی در مدیریت روابط جنسی و سازگاری بهتر روانی، بهبود عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زناشویی زنان یائسه را به دنبال دارد. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله آموزشی از طریق داوطلبان سلامت بر عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زناشویی در زنان یائسه با کاربرد مدل فرانظری در زنان یائسه شهر قزوین انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک کارآزمایی بالینی است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای تعداد ۱۸۰ نفر از زنان یائسه تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر قزوین به طور داوطلبانه در این مطالعه شرکت کردند. سوالات جمعیت شناختی و سابقه پزشکی، پرسشنامه ۱۰ سوالی خودکارآمدی جنسی شوارتز، فرم کوتاه ۱۷ سوالی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، پرسشنامه ۱۸ سوالی کیفیت زندگی جنسی زنان، پرسشنامه کیفیت زندگی و آگاهی و نگرش برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ شد و با آزمون‌های کای اسکور، تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون آنالیز شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌ها $48/1 \pm 11/8$ سال و تقریباً ۶۰ درصد خانه‌دار بودند. فراوان‌ترین علامت یائسگی شامل عرق کردن ($4/7 \pm 1/5$) و گرگرفتگی از حیطة آزوموتور ($4/4 \pm 1/4$) بود. اختلاف معناداری در میانگین نمره کل کیفیت زندگی جنسی زنان یائسه بر حسب گروه‌های سنی ($P=0/01$)، میزان تحصیلات ($P=0/02$)، وضعیت اقتصادی ($P=0/008$)، مدت زمان تاهل ($P=0/03$) و BMI ($P=0/007$) مشاهده شد. همچنین، اختلاف معنادار در میانگین خودکارآمدی جنسی و رضایت از زندگی زناشویی بر حسب گروه‌های سنی، وضعیت اشتغال و مدت تاهل مشاهده شد ($P < 0/05$). نتایج نشان دهنده تفاوت معنادار نمره کل کیفیت زندگی جنسی و ابعاد رضایت از رابطه و سرکوب جنسی بر حسب سطوح مختلف خودکارآمدی جنسی بود ($P < 0/05$). همچنین، همبستگی بین کیفیت زندگی جنسی و رضایت از زندگی زناشویی و خودکارآمدی جنسی مثبت و معنادار بود ($P < 0/05$). همچنین نتایج نشان داد که آموزش در گروه تجربی ۱ (توسط داوطلبان سلامت)، باعث افزایش بیشتری در میانگین نمره ۶ حیطة عملکرد جنسی نسبت به گروه تجربی ۲ (آموزش سنتی) و گروه کنترل شد و مقایسه ابعاد رضایت از زندگی زناشویی در زنان یائسه در گروه تجربی ۱ نسبت به گروه تجربی ۲ در تمامی ۹ حیطة افزایش بیشتری داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش معنادار در حیطة‌های عملکرد جنسی و ابعاد رضایت از زندگی زناشویی، استفاده از راهبردها و مداخلات آموزشی با استفاده از گروه‌های همسان مانند داوطلبان سلامت، در طراحی مداخلات ارتقاء سلامت جنسی در زنان یائسه توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی جنسی، اختلال عملکرد جنسی، رضایت از زندگی زناشویی، کیفیت زندگی جنسی، سلامت جنسی، یائسگی، داوطلبان سلامت

